

تاریخ سازی برای فمینیسم در کردستان یا لاک زدن مبارزات کمونیستها

نقد کوتاهی به نوشته گلرخ قبادی

پروین کابلی



گلرخ قبادی در مقاله ای با عنوان "شکل گیری و رشد جنبش فمینیستی در کردستان ایران" (۱) متأسفانه مثل بسیاری از تاریخ نویسان به حقایق تاریخی پایبند نبوده است. ایشان تلاش کرده است برای موضع سیاسی امروزش تاریخ "کردی"

و ناسیونالیستی بترشد و این ممکن نیست مگر اینکه تاریخ چپ و کمونیستی را لاک بزند. هدف این یادداشت اشاره مختصری به این سیاست است.

در گرامیداشت فرنگیس شاهویی مقدم و عزیزه اعظمی

جنبش زنان برای برابری و آزادی در ایران بعد از سقوط حکومت پهلوی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی دوره‌های مختلفی را از سر گذرانده است که نقد و بررسی هر دوره می‌تواند راهگشا باشد و چراغ آینده شود. اما نقد و بررسی تاریخی را نمیتوان جدا از نیروهای درگیر در آن چهارچوب تاریخی بررسی کرد و دید. طبقات مختلف تلاش میکنند که در دوره های مختلف بویژه در دوره های بحرانی مهر خود را بر جنبشهایی که در جامعه حضور دارند بکوبند. این کشمکش وسیع طبقاتی خود را در سطحی کنکرت تر در چهارچوب مبارزه جنبش های مختلف سیاسی و

اجتماعی نشان میدهد. جنبش فمینیستی در کلیت خود و تاریخ جنبش زنان برای برابری از این قانده مستثنی نیست. جنبش های فمینیستی در غرب (اگر بخواهیم بسیار مشخص تر صحبت کنیم) نتیجه و برآیند مبارزات درون جامعه بوده اند. نگاهی به نوشته های فمینیست های سرشناس و یا پلاتفرمهای مختلف در دوره های گوناگون مثلاً در اروپا نشان میدهد که چگونه مبارزات زنان در دوره بعد از انقلاب اکتبر متأثر از این انقلاب بوده و به همان معنا چپ تر و رادیکالتر است و در دورانی که راست بر فضای سیاسی اروپا سایه می افکند مبارزات زنان افت میکنند و راست روی بر آن غالب میشود.

بطور واقعی اگر بخواهیم از جنبش زنان در ایران نام بریم باید به دوره بعد از انقلاب اشاره کنیم. این دوره ای است که گرایشات اجتماعی متخاصم در قالب جنبشهای مختلف به صحنه می آیند. جنبش برابری طلب و سکولار در مقابل یکی از حکومتهایی که با برنامه و ایدئولوژی معین زن ستیز (اینجا اسلام) به مقابله مستقیم میپردازد و جنبشی دیگر که به وضوح میخواید در چهارچوب همین نظام تغییراتی میلیمتری را مطالبه کند. فمینیست های ناسیونالیست تلاش دارند از رادیکالیسم جنبش برابری طلب جلوگیری کنند و خواستهای زنان را در چهارچوب نظم کنونی قالب بزنند. فمینیسم اسلامی که به آخوند و قرآن و حدیث متوسل می شود و خود به کارچاق کن نظام اسلامی تبدیل شده است. این شبه فمینیسم اسلام زده،



بعد از اینکه جنبش رادیکال زنان وارد صحنه شده است، در تقابل با مدرنیسم خود را سازمان میدهد و از موضع سنت و گرایشات واپسگرای جامعه به جنگ رادیکالیسم جنبش رهائی زن میرود. در مقابل این خطوط راست ملی و اسلامی، گرایش وسیع

۱ دسامبر روز جهانی مبارزه با ایدز

صفحه ۵

مصاحبه در مورد اقدام شجاعانه عالیا المجد المهدی

صفحه ۶

به رادیو ماهواره ای "برای آزادی زن" گوش دهید!

صفحه ۸

خوانندگان گرامی

در آخرین لحظات، زمانی که صفحه بندی نشریه تمام شده بود، مقاله ای به دستمان رسید که متأسفانه موفق به درج آن در نشریه نشدیم. از طرفی مقاله دوست ارجمند نادر احمد نژاد به نام "خشونت بر زنان به زبان آمار" نیز به علت کمبود جا منتشر نشد.

طبیعتاً این مقالات در شماره آینده منتشر خواهند شد. با پوزش از خوانندگان نشریه و نویسندگان این مقالات. مقالات خود را زودتر برای نشریه ارسال کنید.

برای تغییر جهان و احقاق حقوق زنان متحد شوید!

تاریخ سازی برای فمینیسم در کردستان

مردن و سکولاری وجود دارد که با پرچم برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی فی الحال مهر خود را کوبیده است و با جریان رادیکال کمونیستی تداعی می کند. معنی این صفیندی اینست که جنبش زنان در ایران، هر چند جنبشی قائم بذات است، اما مانند هر جنبش دیگری متأثر از اوضاع سیاسی و گرایشات اجتماعی پایدارتر و



نیروهای شرکت کننده در آن است. جریانی که در ایران خود را "فمینیست ناب" میدانند، حتی اگر خود چنین ادعائی داشته باشد، نمیتواند جنبشی در خود و برای خود باشد.

تاریخ دوران کنونی را باید بطور واقعی از ۸ مارس ۵۷ مورد بررسی قرار داد. در ۸ مارس زنان به یک مصاف تاریخی و بدون هیچ شک و شبه ای رفتند. به حجاب نه گفتند. خواهان آزادی بی قید و شرط شدند و اعلام نمودند که آزادی زن نه شرقی است نه غربی، جهانی است. برای خود من بعنوان یکی از سازماندهان و فعالان این تظاهرات در تهران هر لحظه آن هرگز از خاطرم محو نخواهد شد. کسی نمیتواند امروز منکر آن شود که فراخوان دهندگان این تظاهرات گروههای چپ و سازمانهای زنانی بودند که

عمدتا وابسته به این احزاب و گروهها بودند. یک شبه کسی پیدا نشد تا بدون وابستگی به جایی اعلام تظاهرات کند. تظاهرات ۸ مارس ۵۷ در واقع به یک دوران تاریخی پایان میدهد و جنبش زنان را برای برابری وارد دورانی دیگر میکند که امروز به اشکال مختلف ادامه دارد. جنبش زنان در ایران بازتابی بسیار روشن از نیروهایی است که اکنون در مقابل و در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. به این اعتبار آنچه که در کردستان ایران اتفاق افتاد و می افتد را نمیتوان خارج از فضای سیاسی موجود در کردستان بررسی کرد. چیزی که گلرخ قبادی آگاهانه از آن میگذرد.

کردستان بنا به شرایط ویژه ای که داشت (که توضیح آن خارج از حوصله این مقاله است) توانست با شفافیت بیشتری و بسیار سریعتر نیروهای فعال در جامعه را جذب کند و سازمان ها و افراد را حول دو نیروی اصلی مبارزه سیاسی - اجتماعی چپ ها و راست ها جمع کند. وجود کومله انقلابی در آن مقطع بعنوان نیروی چپ و رادیکال که طیف روشنفکر شهری را عمدتا نمایندگی میکرد و حزب دمکرات بعنوان نماینده بورژوازی کرد، کردستان را از همان اول وارد یک قطببندی جدید نمود. بی دلیل نبود که کردستان و بویژه جنوب کردستان به محل بسیاری از نیروهای رادیکال و مبارز ایران تبدیل شد و هزاران کمونیست و برابری طلب که از دست حکومت جمهوری اسلامی فرار کرده بودند به کردستان آمدند و عمدتا به صفوف کومله پیوستند.

اما زنان در کردستان، موضوعی است که مورد بررسی گلرخ قبادی است. ایشان بدرستی اشاره به شرکت

زنان در انقلاب ۵۷ میکند ولی بعد میگوید: ... و این واقعیتی است که زنان با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و فرمان خمینی مبنی بر حجاب اجباری، پیش از دیگران نشانه های سرشت زن ستیز حکومت اسلامی را احساس کردند. به این دلیل زن کرد ایرانی همراه با سایر زنان ایران در اولین جنبش اعتراضی علیه رژیم و احقاق حقوق خود شرکت کردند (نیمه دوم اسفند ۱۳۵۷). این حرکت بیشتر از طرف زنانی پیشتیبانی شد که به گروهها، سازمان و احزاب سیاسی، وابستگی نداشتند. مهم این که بسیاری از این تشکلهای اعم از چپ و میانه و راست خطر تسلط حکومت اسلامی و وایسگرایی را به درستی درک نکرده بودند و به همین دلیل نیز با بی تفاوتی از کنار آن جنبش مهم گذشتند ...

یعنی ایشان معتقد است که روز ۸ مارس ۵۷ تظاهراتی که مثلا در سنندج برگزار شد از زنانی بود که هیچگونه وابستگی به راست و چپ نداشتند؟ یعنی خود شما در چنین تظاهراتی شرکت نکردید؟ کدام سازمان و گروه بیطرف و مستقل و فمینیست فعال بودند که در تظاهرات و گردهمایی ها مستقلا شرکت کردند و زنان را بسیج نمودند؟ جریان مفتی زاده بعنوان یک نیروی سیاسی مذهبی در کردستان فعال شد و تلاش نمود راست ترین و عقب مانده ترین نیروها را دور خود سازمان دهد و تصوف و اسلامی گری کردی را مد کند. حزب دمکرات بعنوان حزب مرتجعین اساسا با مسئله زن کاری نداشته و ندارد. گرایشات غیر چپ اگر میخواستند زنان را سازمان دهند می بایستی در وهله اول با سنتهای مردسالار و عقب مانده مرزبندی کنند. کدامیک از این نیروها چنین

برنامه ای داشت؟ مبارزه زنان که در کردایتی جا نداشت. ایشان در ادامه می نویسند: در این میان زنان مبارز هم بنا به وضعیت عینی جامعه و نیازها و خواستههای مبرمی که داشتند به برپایی تشکلهایی با نامهای "شورای زنان"، "یه کیتی نافرانان" و "یکه تی زنان" [اتحادیه-ها وانجمنهای زنان] دست زدند. (تاکید از من است)

بدون شک شوراهای زنان همانند شورای دیگر مخرج مشترکی از همه ی نیروهای بود که میخواستند در انقلاب شرکت کنند و تغییراتی در وضعیت زنان بوجود بیاورند. زنان در کردستان بنا به ستم ملی و فقر و ادامه سنتهای عقب مانده در شرایط بسیار نامناسبی قرار داشتند. مردسالاری، ازدواج های اجباری، ازدواج دختران کم سن و سال، ختنه،



ناموسپرستی و قتل ناموسی، پائین بودن سطح سواد و آموزش، بیکاری وسیع در میان زنان حتی زنان تحصیلکرده دلائل بسیاری بود که زنان را از خانه ها بیرون کشید و اتفاقا بر خلاف گفته شما هنوز هم در دوران انقلاب بسیاری از زنان اجازه نداشتند که در تظاهرات شرکت کنند و یا خانه را ترک کنند. بسیاری هم توانستند مرزها را بشکنند، سنت شکنی کنند و بسیاری از آنها به چهره های بسیار مشهور،

حکومت ضد زن، سرنگون، سرنگون!

تاریخ سازی برای فمینیسم در کردستان

محبوب و رهبران رادیکالی تبدیل شدند. شوراهای زنان در پی چنین موقعیتی شکل گرفت و بسیار بجا بود. اما دوست عزیز در کجای کردستان شوراهای زنان قویتر بودند و بیشتر توده ای شدند و به مرکز رفت و آمد زنان محلات تبدیل شدند؟ همه کردستان؟ یا آنجایی که کومله رادیکال جای پای محکمتری داشت؟ در سنج و سقر. چرا در مهاباد نتوانست همین روند اتفاق بیفتد؟ شوراهای زنان آنجایی بیشتر شکل گرفت که زنان کمونیست آنوقت، گلریز قبادی و فهیمه قبادی ها و شهلا کلاه قوچی و آجایی و دهها نفر دیگر در این شهرها فعال بودند. و در صفوف نیروهای چپ. هر کجا کمونیسم قدرت بیشتری داشت. زورش رسید زنان بیشتر جرنت کردند. بیشتر به انقلاب روی آوردند. تشکل ساختند.



سازمان دادند. سواد آموزی راه انداختند. امید به یک زندگی بهتر در مقابلشان قرار گرفت. با اشغال کردستان و شکل گیری مبارزه مسلحانه، زنان هم وسیعا به صفوف پیشمرگان پیوستند. اتفاق تصادفی نبود. نتیجه حضور کمونیست ها و رادیکالیسم چپ بود. این تحول نه از سر لطف نیروهای ناسیونالیست و کرداپتی و حضور فعال "فمینیست های دو آتسه" بلکه اتفاقا به خاطر

وجود جنبش سوسیالیستی بود. بسیاری از زنانی که پیشمرگه شدند کسی بودند که در سازمانهای چپ فعالیت میکردند و یا خود را با کومله تداعی میکردند. حزب دمکرات در این امر سهمی نداشت اگر چه سابقه داشتن زنان مسلح و سازمان زنان شان بسیار قدیمتر بود. کم نبودند زنان و دختران کم سواد و یا حتی بیسوادی که از روستای دور افتاده و شهرهای کوچک روزها و شبها را پیاده سپری میکردند که خود را به کومله برسانند تا از ستم پدر و برادر و شوهر رها شوند و به آزادی برسند.

اما پیشمرگه شدن زنان خالی از دردسر نیست. زنانی که به صفوف کومله پیوسته اند با موانعی بیشمار در درون خود کومله مواجه شد. ادامه سنت های مرد سالاری، در مقابل تجدیدی که زنان خواهان آن بودند قرار گرفت. مبارزه با حجاب و یا روسری سنتی با کندی پیش میرفت. خواست برابری در همه شئون مبارزه با مقاومت روبرو بود. زنان یک دوره به نیروی پشت جبهه تبدیل شدند و قرار بود که در درمانگاهها خدمات و سرویس به پیشمرگان مرد بدهند. این مقاومت با ورود اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت به کردستان درهم شکسته میشود. با تشکیل حزب کمونیست ایران و نوشتن بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان که در آن به روشنی به جایگاه زنان و بهبود شرایط آنها اشاره میشود مسلح شدن زنان وارد دوره ی جدید از پویایی و رشد میشود. دامنه شرکت زنان در جنبش رادیکال کردستان بسیار فراتر از پیشمرگه شدن است. فراموش نکنیم مادران و دختران و زنانی که در شهرها به یک جنبش وسیع اعتراض و



بنیانگذار کومله و حزب کمونیست ایران



۸ مارس و اول ماه مه را سازمان میدهد، نه زنان فمینیست بلکه رهبران رادیکال چپی هستند که از کمونیسم کارگری الهام میگیرند. نگاهی به قطعنامه ها و پیامهای این دوره که منتشر شده اند شاهدهی بر این است که این نیروها کجا قرار دارند و کجا ایستاده اند. طبعا باید تاکید کرد و به خاطر آورد که گرایشات مختلف هم در این دوره وجود داشته اند که هر کدام نمایندگان خود را داشتند که در مقاله از آنها اسم برده میشود. این نام بردن کلاه شرعی است برای مخدوش کردن جنبشهای رادیکال و برابری طلب. همه را با هم در یک قالب قرار میدهد و آن را "جنبش فمینیستی زنان کرد" مینامد. این تشکل ها و کانونها و رهبران نمایندگی گرایشات مختلف هستند. از "مام جلالی" گرفته تا زنان کمونیست. بنظر ایشان لابد جلال طالبانی و ادب ها و حزب دمکرات و قوم پرستان تا کمونیستها صرفا بحاطر زن بودنشان در یک "جنبش" قرار میگیرند! استدلال تئوریک و قدیمی ناسیونالیسم کرد.

اما ساده از کنار ۸ مارسهای ۱۳۸۷ نگذردید. لطفا تعمق کنید تا متوجه شوید که تمام اینها مهر رادیکالیسم کمونیستی و رد پای نیروهای رادیکال را بر خود دارد و در همه اینها زنان و مردان در کنار هم برای برپایی هرچه بهتر این اجتماعات تلاش کرده اند. باور کنید که در ۲۰ سال گذشته تمام تلاش من در سوئد این بوده که بتوانم "خواهران" فمینیست

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

تاریخ سازی برای فمینیسم در کردستان

سوئدی را راضی کنم که در کمیته برگزاری ۸ مارس که کلیسا و صلیب سرخ هم شرکت دارند "برادران" برابری طلبان بتوانند سهیم باشند، موفق نشده ام. کدها و مفاهیم بسیاری در این نوشته وجود دارد که میشود به آنها پرداخت مثل خواستهای زنان کرد، یا فعالین این جنبش در رشد و ارتقاء آگاهی خود کوشا بوده و به دامن زدن بحثها و مسائلی پرداخته اند که جزو حوزه خصوصی زنان محسوب شده است مانند خشونت‌های خانوادگی، قتل ناموسی، روابط جنسی و غیره (تاکیدات از من است) که جای بحث بسیار است و میشود روی همه اینها صحبت کرد. قتل ناموسی ویژه زنان کرد نیست، این مسئله در "حوزه خصوصی" آنها نیست، مگر دوران عشایر و قبایل است؟ ناموس پرستی و مردسالاری یک معضل اجتماعی و قدیمی است و امر جامعه و هر جنبش جدی ای است که با آزادی فکر میکند. مسئله چگونگی روابط جنسی فقط امر زنان نیست، امر جامعه است. این خواستها "کردی" و "زنانه" نیستند، سوالاتی اجتماعی اند که

ناسیونالیسم کرد از درک آن عاجز و با "کردی" کردن آنها تلاش دارد آنها را به حوزه "خصوصی" منتقل کند! گلرخ قبادی وقتی به ویژگیهای این خواستها می پردازد تازه وارد میدان بزرگتری میشود که خود از آن غافل است. ترسیم زندگی میلیونها زنی که در ایران تحت حاکمیت آپارتاید جنسی زندگی میکنند و هر لحظه به حقوق فردی و انسانی شان تجاوز میشود. ایشان هرگز حتی یکبار از واژه آپارتاید جنسی در ایران و یا جنبش برابری طلب زنان اسمی نمیبرد و آگاهانه نمیخواهد وارد این مقولات شود. فمینیست تراشی میکند که تاریخ چپ را لاک بزند. "خواستهای خصوصی زنان کرد" تلاشی عبث و بیهوده برای کمرنگ کردن جنبش رادیکال است که اتفاقا در کردستان با چپ و آرمانخواهی سوسیالیستی تداعی شده است. این کمونیست ها بودند و هستند که واقعیت های زندگی زنان را بیان میکنند. برای آن سازمان میدهند و راه حل دارند. مسئله زنان را خصوصی و زنانه نمی دانند. امر جامعه است و باید جامعه برای بهتر زیستن و سلامت بیشتر به امر زنان بپردازد. کمونیست ها خواهان تغییرات فوری و بیقید و شرط هستند و امر زنان را به بعد از گرفتن خودمختاری و حل مسئله ملی موکول نمی کنند. برای زنان ملیت تراشی نمی کنند که مشکلاتشان را



ویژه کنند بلکه به هم سرنوشتی و انسان بودن همه زنان ستمدیده پای میفشارند و برای آن نیرو جمع میکنند.

تاریخ نویسی خوب است اما نه همیشه. تغییر تاریخ و جعل تاریخ همیشه اتفاق افتاده است و نو آوری تازه ای نیست. اما تاریخ تراشی برای فمینیست ها در کردستان و به فراموشی عمدی سپردن تاریخ یک دوره از مبارزات رادیکال و کمونیستی در کردستان یک خطای عمدی است. چرا که فعالین بسیاری از این جنبش هنوز زنده اند و میتوانند گواهی دهند که چگونه زنان و مردان کمونیست، دورانی نه چندان کوتاه تاریخ پر افتخاری را ساختند و تغییر برای زندگی انسانها را در کردستان و بقیه ایران و بسیاری از همین کمونیست ها در بقیه نقاط جهان که محل زندگیشان شد به هدف زندگیشان تبدیل کردند. ادامه همین فعالیت کمونیستی بود که یک دهه در اروپا و اسکانندیناوی مسئله زنان در کشورهای اسلامزده را به یک بحث قدرتمند در جامعه تبدیل و فعالین آن به چهره های محبوب و برابری طلب تبدیل شدند. در این مبارزات تازه فمینیست های کرد کجا بودند و کجا ایستادند؟ چه کسانی بودند که با زنان در کردستان عراق همبستگی نشان دادند و سلاخی کردنشان را به جهانیان خبر دادند و کوس رسوایی دولت حکومت کردستان را به صدا در آوردند. حمله به خانه های امن زنان در سلیمانیه را توسط جماعت جلالی افشا کردند و همبستگی



انسانهای رادیکال را طلب شدند؟ مگر ما کمونیست ها نبودیم؟ دریغا از یک فمینیست کرد در این دوران.

نکته اصلی مقاله خانم قبادی "فمینیسم" نیست، بلکه رنگ عوض کردن است. اگر کردایتی در دوره ای در مقابل جنبش رادیکال سوسیالیستی زنان عقب نشینی نمود امروز تاریخ سازی برای فمینیسم کرد نه از تعلق خاطر به فمینیسم است بلکه میخواهد رنگ و بوی ملی به جنبش آزادی زن در کردستان بزند. میخواهد در تلاشی ناموفق برای جنبش برابری زنان لباس کردایتی بدوزد و ناسیونالیسم و راست متحجر را متجدد نشان دهد. از فمینیسم اروپایی فاکت میاورد که قالب محلی خود را پنهان کند. این ریاکاری سیاسی را باید افشا نمود و چهره واقعی فمینیسم کرد را با گرایش ناسیونالیستی آن روشن و عریان نشان داد. *

(1) www.azadi-b.com/M/2011/11/post_326.html

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.
جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

خوانندگان گرامی می توانند با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنند. لینکهای سخنرانیهها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.
شما در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته را نیز بخوانید.

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

۱ دسامبر روز جهانی مبارزه با ایدز

در این روز همه توجه ها معطوف به راههای مبارزه با بیماری است که در ۳۰ سال گذشته وحشت بزرگی در دل جهانیان انداخته و میلیونها انسان را به کام مرگ کشیده. امروزه با وجود استفاده از داروی آنتی رتروویرال هنوز تعداد بیشماری از مردم به این بیماری مبتلا می شوند و در سنین جوانی می میرند.

روز مبارزه با بیماری ایدز از ۲۳ سال قبل به یک روز بین المللی تبدیل شد تا بتواند در عرصه بالا بردن آگاهی عمومی و جلب حمایت مالی، پیشگیری و توقف این بیماری غیر قابل علاج ولی غیر کشنده قدم بردارد. امسال نیز دبیر کل سازمان ملل متحد از پیشرفتهای بدست آمده ابراز خوشحالی کرد و خواستار شتاب حرکت برای پایان دادن به ایدز در سراسر جهان شد. اما واقعیتها کدام است. آیا جهانی بدون ایدز ممکن است؟

اروپای شرقی مورد تهدید اپیدمی ایدز

بر اساس آماري که نمی توان به آن اعتماد کامل داشت درصد مبتلایان به ایدز از کاهش قابل ملاحظه ای در بعضی از نقاط جهان سخن می گوید. گفته می شود که به دلیل اعمال سیاستهای کنترلی و مراقبتی از بیماران مبتلا به ویروس اچ ای وی، چشم انداز تغییر در آفریقا بمراتب روشنتر از آمریکای جنوبی، اروپای شرقی و مرکزی می باشد.

با وجود اینکه جنوب صحرا در سال ۱۹۹۷ بیشترین مبتلایان به ایدز را به خود اختصاص داده بود، در سال ۲۰۱۰ شاهد کاهش ۲۶ درصد مبتلایان جدید در آفریقا بودیم. در حالیکه وضعیت در اروپای غربی تغییری نکرده اما آمریکای جنوبی، اروپای شرقی و اروپای مرکزی در معرض خطر جدی قرار دارند. بر اساس آخرین آمار اوضاع در روسیه بسیار خطرناک ارزیابی می شود. در ده سال گذشته تعداد مبتلایان جدید به ویروس اچ ای وی ۲۵۰ درصد افزایش یافته است. در بعضی از قسمتهای روسیه در ۵ سال گذشته تعداد مبتلایان به ایدز ۲۷۰ درصد افزایش داشته است.

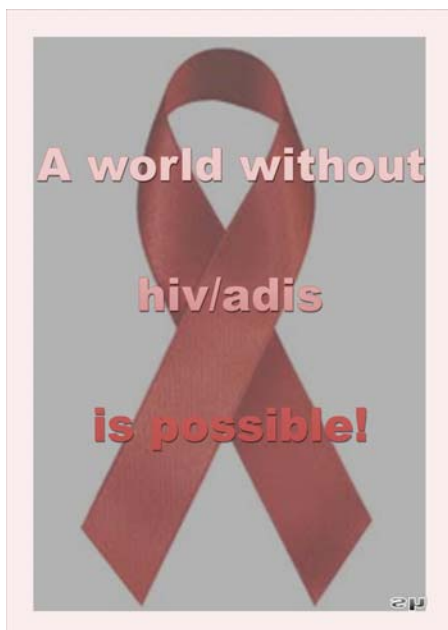
اگر حکومتهای مربوطه روشهای مناسبتری برای معالجه این بیماری پیدا نکنند بزودی کنترل از دستشان خارج شده و اوضاع شبیه آفریقا خواهد شد!

ایدز در ایران

در اینروز سازمان بهداشت جهانی آمار مبتلایان به ایدز را بسیار بیشتر از آمار رسمی جمهوری اسلامی ارزیابی میکند. گفته می شود افراد حامل ویروس اچ ای وی که هنوز وارد مرحله ایدز نشده اند بین ۹۰ تا ۱۱۸ هزار نفر هستند. بنا بر آمار رسمی وزارت بهداشت رژیم اسلامی، ۵/۹۱ درصد کل مبتلایان به ایدز مرد هستند و نزدیک به ۶۰ درصد از آنها معتادانی هستند که از وسایل تزریقی آلوده استفاده می کنند. افزایش آمار مبتلایان به ایدز با آمار مبنی بر کاهش ۴۰ درصدی در میان معتادان تزریقی به دلیل اجرای سیاست کنترل و مراقبت نشانگر تغییر زمینه های ابتلا به سمت روابط جنسی است. بر اساس آمار سازمان یونسف در مورد میزان آگاهی جوانان ایرانی در گزارش سال ۲۰۱۰، یک سوم دختران نوجوان در ایران اطلاعات کافی در مورد راههای انتقال ویروس اچ ای وی نداشته اند. در حالیکه زنگ های خطر گسترش ویروس اچ ای وی، از سرنگ مشترک به سمت ارتباطات جنسی از سالها پیش توسط بسیاری از فعالان این عرصه به صدا در آمده بود، رژیم اسلامی پخش جزوه های آموزشی درباره ایدز که تنها عرصه آموزش و اطلاع رسانی در بین نوجوانان بود را از چهار سال پیش متوقف کرده است. بنا به گزارش یونسف هنوز اکثریت عظیمی از جوانان ایرانی به خطر ابتلا به ویروس اچ ای وی از طریق روابط جنسی اطلاعات کافی ندارند و از وسایل پیشگیری کننده مانند کاندوم استفاده نمی کنند.

عوامل تعیین کننده

با در نظر گرفتن اینکه ایران یکی از جوان ترین جمعیتهای جهان را به خود اختصاص داده است و شیوع اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان سیر تصاعدی را طی می کند اپیدمی ایدز یکی از واقعیتهای انکار ناپذیر آینده مردم ایران است. پافشاری حکومت اسلامی مبنی بر عدم وجود روابط جنسی آزاد، تنفروشی و همجنسگرایی، زیر



عنوان "اعمال خلاف دین" باعث بالا رفتن نرخ ابتلای انسانهایی شده است که به هیچ وجه خود را در معرض خطر احساس نمی کردند. پدیده روز افزون اختلاف طبقاتی و گسترش فقر، فلاکت و اعتیاد، و واقعیت واداشتن زنان به برقراری روابط جنسی ناخواسته توسط همسرانشان، حلقه گمشده اصلی آمارهای ضد و نقیض در حکومت اسلامی است. از طرف دیگر تأیید قانونی صیغه و تلاش برای اجتماعی کردن این پدیده تبعیض آمیز، خطر ابتلای مرد صیغه کننده و زنان فقیری که از هیچ امکان آموزشی برخوردار نیستند را اجتناب ناپذیر می کند. امکان حامگی ناخواسته و تولد کودکانی که بدینوسیله وارد چرخه فقر و مبتلایان جدید می شوند، عرصه دیگری در سیر تصاعدی ابتلا به ویروس ایدز ایجاد می کند. گذشته از تمامی موارد ذکر شده بالا رژیم اسلامی تلاش می کند تا با ترغیب جوانان به عدم برقراری روابط جنسی قبل از ازدواج آنها را به سمت رفتارهای جنسی با حفظ "پرده بکارت" سوق دهد. بخشی از این جوانان به دلیل ترس و وحشت برخوردهای مذهبی و ارتجاعی افراد خانواده، به رابطه جنسی دهانی رو می آورند. در حالیکه ویروس اچ ای وی از طریق بزاق دهان هم قابل سرایت است.

شهلا نوری

۲ دسامبر ۲۰۱۱

رهائی زن همین امروز!

مصاحبه در مورد اقدام عالیا المجد المهدی

آزادی زن: عده ای معتقدند که این حرکت آب به آسیاب اسلام گرایان می ریزد و انقلاب را در مصر به بیراه میکشد. در این مورد چه میگویند؟

شهلا نوری: چه کسی این ارزشها و ضد ارزشها را تعریف و تعیین می کند. اگر قرار است آزادی زن آب به آسیاب اسلامگرایان بریزد بگذارید بریزد تا هرچه زودتر چهره دستگاه جنایت اسلام سیاسی را افشاء کند.

اسماعیل اوجی: کدام انقلاب؟ در مصر که انقلابی به وقوع نپیوسته است. حسنی مبارک از کار برکنار شده و به جای او نیروهای مشابه و از بعضی لحاظ بدتر از او روی کار آمده اند. آسیاب اسلام گرایان پرآب است و نیازی به آب بیشتر ندارد. بزودی خواهیم دید که ایرانی دیگر در شمال آفریقا به قلع و قمع آزادی خواهان، دگراندیشان، روشنفکران، سوسیالیستها و هرکس که جرات کند و نفسی بکشد خواهد پرداخت. این حرکت ممکن است بهانه‌ای به دست تعدادی از اسلامگرایان بی شعورتر بدهد تا به ترور این و آن دست بزنند، مثل ماجرای سلمان رشدی و کاریکاتور محمد ولی در مجموع، اگر این قبیل حرکات ادامه نداشته باشد و به فعالیت‌های موثرتری منجر نشود، اثر خیلی زیادی روی جنبش‌های اسلامگرایان در شمال آفریقا و خاورمیانه نخواهد داشت. همانطوریکه گفتم آسیاب اسلامگرایان پرآب است.

پروین کابلی: اسماعیل اوجی به نظر من به روشنی جواب میدهد. انقلابی در کار نیست. هم اکنون حکومت در دست نظامیانی است که تا دیروز با مبارک سر یک آخور نان میخوردند. اکنون مبارک را کنار گذاشته اند و ژنرال های چهار ستاره وابسته به آمریکا حکومت میکنند. معترضین را به گلوله میکشند و به زنان اکتیویست تجاوز میکنند. اسلام گرایان و یا اخوان المسلمین اتفاقا میخوانند از آب گل آلود ماهی بگیرند. صحنه را خالی دیده اند و دنبال محکم کردن جای پای خود هستند. کسی آب به آسیاب اینها نمی ریزد. مثل اینکه یک پلافرم مشترک در سراسر دنیا وجود دارد که به محض اینکه میگویند آزادی زنان بلافاصله مقاصد ملی و فعلا صبر کنید و این کار را نکنید خوب نیست و هزار و یک بهانه دیگر برای محدود

کشورهای مذهبی بطور دسته جمعی و گروهی حجاب را از سر بردارند و در سر کارها، مدارس، محیط‌های عمومی و غیره بدون حجاب حاضر شوند هم عملی‌تر و هم موثرتر خواهد بود. گرچه این هم البته بسیار مشکل خواهد بود.

سوم اینکه زنان باید در درجه اول شرائط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی خود را آماده کنند تا به جای آسیب دیدن توسط نیروهای بنیادگرای مذهبی و حتی نزدیکان خود، لااقل آنها یعنی مردم



اطراف، همکاران، خانواده و غیره را به عنوان پشتیبان خود داشته باشند. وگرنه این کار جز خودکشی معنی دیگری ندارد.

پروین کابلی: انسانها حق دارند اعتراض خود را به اشکال مختلف بیان کنند. این شکلی است که ممکن است مورد پسند خیلی ها نباشد ولی در بین یک مبارزه واقعی برای آزادیهای شخصی باید آنرا دید و ترجمه نمود. به نظر من این اقدام در وهله اول علیه مذهب بویژه اسلام سیاسی است که زندگی میلیونها زن را در کشورهای اسلامزده را به نابودی کشانده است. دخالت روزمره اسلام سیاسی در کوچکترین زوایای زندگی مردم در این کشورها گواه روشنی بر حقانیت این عمل است. و در وهله دوم علیه مردسالاری و عقب ماندگی که زنان را ناموس ملت و خانواده و بستگان میدانند.

آزادی زن: عالیا المجد المهدی در یک اقدام بی سابقه عکسهای برهنه خود را روی وب لوگ خود منتشر کرده است و عده ای هم در پشتیبانی وی دست به چنین اقدامی زده اند. این مسئله را چگونه می بینید؟

شهلا نوری: من وقتی عکس او را دیدم توجه ام را جلب کرد چون کمی از عالیا و جنبشی که او به آن تعلق دارد شناخت داشتم. همین سابقه فکری باعث شد که که با دقت بیشتری به زیر نویس عکس او توجه کنم. تنها احساسی که آن لحظه بهم دست داد احساس زنگ خطری جدی بود. متوجه شدم که واکنش عالیا ارتباط تنگاتنگ با کنش اسلامیهستهای حاضر در صحنه در میدان التحریر دارد. این احساس از آسمان بر من نازل نشد. ۳۳ سال تجربه پشت این احساس خطر وجود دارد. مردم ایران و بخصوص زنان بیشترین و تلخترین تجربه را از اسلام سیاسی دارند.

اسماعیل اوجی: به نظر من این یک اقدام فردی است که از طرفی بسیار قابل تقدیر است و از طرف دیگر نمیتوان به همه توصیه کرد که این کار را انجام دهند. برای اینکه چنین کاری انجام شود چند شرط لازم است:

اول و مهمتر از همه تو باید در یک کشور اسلامی یا مذهبی شدید زندگی کنی و پیه آسیب دیدن، شکنجه و حتی اعدام شدن را به تن بمالی وگرنه در کشورهای دیگر این کار احتیاجی به شجاعت زیادی ندارد و تاثیر زیادی هم ندارد.

دوم اینکه باید ببینی تو چه هدفی در سر داری و آیا با این کار به هدفت نزدیک می شوی و یا شاید حتا از آن دور. از اهداف قابل تصور این اقدام مبارزه با حجاب اجباری و یا به عبارت بهتر مبارزه با محدودیت‌های شدیدی است که توسط مردان مذهبی و غیر مذهبی به زنان اعمال می شود. من تصور نمی‌کنم با این کار یک یا چند زن، حتا یک گام به آزادی حجاب یا رفع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مذهبی نزدیک شویم. به نظر من اگر زنان در

مصاحبه در مورد اقدام عالیا المهدی

کردن آزادی های فردی مقابل زنان گذاشته میشود تا اعتراضشان را محدود کنند و به خانه هایشان برگردانده شوند. اگر انقلابی است، اگر برای آزادی باید مبارزه کرد و اعتراض به همه آنچه که زنان را در قید و بند نگه میدارد، امروز است که باید برای آن جنگید و صدای خود را بلند کرد. فردا دیر است.

آزادی زن: آیا فکر میکنید که این اقدام ربطی به جنبش آزادی زن دارد یا نه؟

شهلا نوری: این عمل آگاهانه چه مورد تأیید دیگران باشد چه نباشد مستقیماً به جنبش آزادی زن مربوط می شود. و در این میان نه تنها صدای اسلامیهها را در آورده بلکه صدای بخشی از نیروی ناسیونالیست و "چپ" ملی مذهبی را هم در آورده است. درست در همین جا است که اولین تشابهات فکری نیروی ملی مذهبی در زمان انقلاب ۵۷ با نیروی هم سنگش در میدان التحریر به صحنه وارد می شود تا تکلیفش را با زنان روشن کند. برای سرکوب انقلاب باید نیمی از نیروی انقلابی را ضرب و شتم کرد.

اسماعیل اوجی: دقیقاً ربط دارد. زنان در طول همه تاریخ بشر مورد ظلم و ستم و ممنوعیت و محدودیت بوده اند و مهمترین کاری که مردان، به عنوان شوهر، پدر، پیش نماز، مربی، رئیس قبیله، فرمانروا، شاه، رهبر مذهبی، رهبر ملی، نخست وزیر، امام و پیغمبر انجام داده اند ایجاد و یا تحکیم محدودیتها و ممنوعیتهای زنان بوده است. هرکس که این محدودیتها و ممنوعیتها را زیر سوال ببرد دارد برای جنبش زنان کار میکند. چقدر این کارش موثر است بحث دیگری است.

پروین کابلی: این جنبش زنان است. همانطور که گفتم شکلش را من و شما انتخاب نمیکنیم. میتواند اشکال مختلف داشته باشد. جنبش زنان که ما و شما حد و مرزش را انتخاب نمیکنیم. مثل دوران انقلاب و تظاهرات تاریخی ۸ مارس در تهران که عده ای راه افتاده بودند و میگفتند حالا چرا اینقدر شیک آمده اند نمیشود که با لباس ساده تری می آمدید. این زنان سلطنت

طلب هستند و غیره و غیره... دیدیم که چه شد. جمهوری اسلامی اولین پایه حکومتش را بر علیه زن با تصویب حجاب محکوم کرد. البته که بر سر پوشش، جنگ است. پوشش، حقوق و آزادی های فردی، حق انتخاب بر جسم خود، تحصیل، مسافرت و و و همه مربوط به جنبش زنان است. باید برای تک تک اینها مبارزه کرد و تلاش نمود. باید در تمام سطوح اسلام سیاسی را به عقب راند. همانطور که اسلام سیاسی در تمام زمینه ها تلاش کرده که زنان را به عقب نشینی وادار کند.

گیرد. زنان مصری که در شکل ظاهری خدمتکار به عربستان فرستاده می شوند تا با تحقیر، کار اضافی و دستمزد کم در گوشه انزوای خود مورد تجاوز می کارفرمایان قرار گیرند. شخصاً فکر می کنم مبارزه با ارزشهای طبقاتی، مردسالارانه و مذهب زده نمی تواند بر اساس ارزشهای دشمن سازمان داده شود.

اسماعیل اوجی: اینکه عالیا در همه دنیا پشتیبان دارد و تعدادی از آنها دست به اقدامات مشابه میزنند هیچ حرفی نیست. از طرفی بر خلاف تصور شما مردم مصر با



مردم اسرائیل جنگ ندارند. مردم فقیر و مردم تحت ستم از جمله زنان در همه دنیا با هم از نظر فکری متحد هستند چرا که کم و بیش از چیزهای مشابهی رنج میبرند: حرص و طمع سرمایه داران و ظلم و ستم مردان. اینکه تعدادی از زنان اسرائیلی از دختر شجاعی در مصر پشتیبانی کرده اند بسیار مهم است ولی عجیب نیست.

از طرف دیگر به نظر من تا مبارزه زنان همه گیر نشود و تا زنان به ریشه این درخت آلوده و مسموم، یعنی مردسالاری، حمله نکنند وضع عمومی زنان تغییر عمده ای نخواهد کرد. زنان باید از مردان مستقل شوند، از همه نظر: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دینی، خانوادگی و غیره.

پروین کابلی: مردم در مصر، اسرائیل و فلسطین، امریکا و ایران هیچ جنگی با هم

آزادی زن: زنان اسرائیلی در پشتیبانی از عالیا المهدی عکسی گروهی و برهنه از خود را منتشر کرده اند. با توجه به سابقه تاریخی جنگی که در بین مردم اسرائیل و مصر وجود دارد نظر شما در این مورد چیست؟

شهلا نوری: جنگ بین مردم اسرائیل و مصر وجود ندارد. این جنگ حکومتهای هر دو کشور است. زنان اسرائیلی به درستی تشخیص داده اند که این اقدامشان به زمینه گفتگو در مورد سکس دامن می زند. آنها به خوبی درک کرده اند که هرزه نگاری در هیچ کجای این جهان پهناور فقط و فقط با بحث کردن حول آزادی بیان کاهش نمی یابد. آنها میدانند که قرارداد منحصر بفرد وزیر کار مصر که ۱۲۰۰۰ زن خدمتکار را که به عربستان سعودی اعزام کرده است مورد شماتت همین متعرضین به عکس برهنه عالیا قرار نمی

نه به سنگسار = نه به جمهوری اسلامی!

مصاحبه در مورد اقدام عالیا المجد المهدی

برای همین مبارزه برای آزادی و برابری است. در نتیجه به نظر من این اقدام بسیار جالب و اینکه خود عکس بسیار زیباست. باید به این دوستان درود گفت و دستشان را به گرمی فشرد. جنبش زنان در خاورمیانه و کشورهای اسلامزده بیش از هر دوره ای به همبستگی و نزدیکی احتیاج دارد. باید این جبهه را تقویت کرد. هم سرنوشتی زنان و نیروی عظیمی که در این راه وجود دارد میتواند یکی از شاخص های اصلی برای تغییراتی بنیادی باشد. ■

ندارند. این جنگ جنگ ما نیست. جنگ مشتی غارتگر و دزد و قاتل است که بر زندگی مردم چنگ انداخته اند. جنگ سرمایه داران با مردم فقیر و آزادیخواه است. چه فرقی میکند اگر زنان در برزیل، افریقای جنوبی یا اسرائیل از عالیا حمایت کنند. همبستگی با برابری و آزادی مرز ندارد. رنگ پوست و ملیت و فرقه ندارد.

گیرند وجود ندارد و خود این مساله نقش مهمی در اقدام به خودکشی بازی می کند.

آسیه نورین نخستین زن محکوم به اعدام به خاطر توهین به محمد در پاکستان!

آسیه محمدی ۴۶ ساله و از اقلیت مسیحی پاکستان و مادر ۵ فرزند نخستین زنی است که به خاطر اتهام توهین به پیامبر اسلام در این کشور محکوم به اعدام به وسیله دار شده و از تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۱۰ تا کنون در زندان بسر می برد و منتظر دادگاه تجدید نظر است. او تاکید می کند که هیچ توهینی به پیامبر اسلام نکرده اما ایستادگی اش در مقابل کسانی است که خواستار گرویدن وی به اسلام بوده اند موجب وارد آوردن این اتهام شده است. ■

کتک خوردن عالیا ماجده المهدی در میدان التحریر!

عالیا ماجده المهدی دختر مصری که چندی پیش تصاویر برهنه خود را منتشر کرد در میدان التحریر مصر توسط اسلامگراهای افراطی مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

عدم حمایت از زنان خشونت دیده عامل خودکشی است

یک بررسی نشان میدهد که عدم حمایت جامعه و دولت از زن خشونت دیده میتواند او را به سمت خودکشی سوق دهد. در حال حاضر نه آموزشی در جامعه ما وجود دارد نه سازمان مدنی که بتواند از افراد مورد خشونت واقع شده حمایت کند. بنابراین این گونه زنان احساس می کنند هیچ راه خروجی از مشکلی که با آن در

اخباری کوتاه مربوط به زنان



جمع آوری: نگین خاتمی

بی خبری از وضعیت روژین محمدی!

به رغم نزدیک به گذشت نزدیک به یک هفته از بازداشت روژین محمدی وبلاگ نویس و دانشجوی رشته پزشکی در دانشگاه مانیل در

فیلیپین که پس از بازگشت به ایران بازداشت شد هنوز از سرنوشت وی هیچ اطلاعی در دسترس نیست. به گزارش کمیته گزارش گران حقوق بشر روژین محمدی در حال حاضر در بند دو الف سپاه و در سلول انفرادی نگهداری میشود و تا کنون موفق به برقراری تماس تلفنی یا ملاقات با وکیل یا خانواده خود نشده است. با این حال مقامات قضایی و امنیتی هنوز هیچ توضیحی در خصوص نگهداری وی در زندان اوین به خانواده اش نداده اند. بازپرس شعبه سوم اوین او را به اتهاماتی همچون اجتماع و تیبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام و انجام فعالیت های حقوق بشری متهم کرده است.

"برای آزادی زن" هر سه شنبه از ساعت ۲۰ تا ۲۱ به وقت ایران روی آدرس زیر پخش میشود.

Symbol Rate: ۱۹۲۷۹ - Horizontal: QPSK ۲/۳ -
Transponder: ۱۰ - TelStar ۱۲

این برنامه ها همچنین روی سایت سازمان آزادی زن قرار دارند. از طریق آدرس ای-میل با ما تماس بگیرید و از نظرات خود ما را مطلع کنید.

radioazadizan@yahoo.com

سازمان آزادی زن

دسامبر ۲۰۱۱

www.azadizan.net



به رادیو ماهواره ای "برای آزادی زن" گوش دهید!

"برای آزادی زن" برنامه ی رادیو ماهواره ای سازمان آزادی زن میباشد که تلاش دارد صدای جنبش برابری طلب در ایران و منطقه باشد. با رادیو " برای آزادی زن" همکاری کنید و اخبار جنبش برابری طلب، موقعیت زنان در ایران، افغانستان و کشورهای محل زندگی خود را برای ما ارسال دارید تا بتوانیم آنها در برنامه های خود منعکس کنیم.

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند. مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

azarmajedi@yahoo.com

parvinkaboli@yahoo.se

esmail_owji@yahoo.com

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی:

هینت تحریریه نشریه پروین کابلی و

اسماعیل اوجی